

کشف جسد راننده تاکسی اینترنتی در حاشیه جاده



علی بابازاده اسکوت شب دوشنبه جاده مهدی آباد به سمت روستای کنویست، ناگهان باکشفی هولناک شکسته شد، خودرویی رهاشده میان تیراهای حاشیه جاده توجه رانندگان را به خود جلب کرد. تماس شهروندان با پلیس، مأموران پاسگاه انتظامی هلالی را به محل حادثه کشاند. اما آنچه انتظار آن ها را می کشید، فراتر از یک خودرو رهاشده بود. با بازشدن در خودرو، مأموران با جسد مردی روی صندلی روبه رو شدند. این صحنه موجب شد مأموران پاسگاه هلالی موضوع را به بازپرس جنایی اعلام کنند. با حضور قاضی وحید خاکشور در محل، تحقیقات اولیه نشان داد جسد متعلق به «محمود ج» متولد ۱۳۶۴ است که راننده تاکسی اینترنتی بوده است. بررسی های بعدی نشان داد خانواده اش ساعت هاست از اوبی خیرندو موضوع مفقودی را نیز به پلیس اعلام کرده اند. بررسی ها درباره علت مرگ این مرد سی ونه ساله درحالی آغاز شده که جسد برای مشخص شدن علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی با دستور مقام قضایی تحقیقاتشان را پیرامون این پرونده آغاز کردند.

روی خط حادثه

کشف لواشک های تلخ

مشرق ا مأموران مستقر در پایانه هوشمند بار فرودگاه حضرت امام ^(ع) حین چک و کنترل مرسولات، به یک مرسوله پستی حاوی لواشک مشکوک شدند. مأموران پس از توقیف و بازرگشایی و بررسی این محموله، متوجه شدند که داخل بسته های لواشک ۹ کیلو و ۱۵ گرم تریاک به شکل ماهرانه ای جاساز شده است.

لورفتن قتل پدر به دست پسر

خبرگزاری پلیس ا پس از انتقال یک وکیل دادگستری میان سال به بیمارستان در خرم آباد، این مرد پنجاه و پنج ساله بر اثر خون ریزی شدید، جان باخت، فرزندان او مدعی بودند پدرشان با یک سلاح سامچه زنی خودزنی کرده، اما پلیس باورود به این پرونده اثبات کرد این مرد خودزنی نکرده است. اولین افرادی که در فهرست مظنونان پلیس قرار گرفتند، فرزندان مقتول بودند، فرزندان که مدعی خودکشی پدرشان بودند. با وجود اصرار آن ها، با دستور قضایی فرزندان مقتول دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شدند. در بازجویی های تخصصی یکی از این افراد اعتراف کرد که به دلیل اختلافات خانوادگی، پدرش را کشته است.

یک دست فروش، شهردار را آتش زد

فارس ا یک دست فروش با همکاری همسرش، شهردار شهرستان کرگان از توابع استان هرمزگان را به آتش کشید. «علی بلاک»، شهردار کرگان، درحالی که برای بازگشایی سد معبر ایجاد شده توسط دست فروشان به خیابان رفته بود، یک دست فروش به او حمله کرد و پس از ریختن بنزین روی او، وی را آتش زد. به دنبال این اقدام، شهردار کرگان با ۳۶ درصد سوختگی به شهرستان بندرعباس منتقل شد.

آخر خط

داماد بی رحم، خانواده همسرش را سلاخی کرد

نورنیوزا سکوت سنگین خانه ای در رشت با فریاد های دلخراشی شکسته شد. اهالی محل سراسیمه به کوچه آمدند تا علت را جویا شوند.

یکی از همسایه ها پلیس ۱۱۰ را از صدا های مشکوک شبیه دعوا و درگیری مطلع می کند. با ورود پلیس به محل، اجساد پدر هفتاد و شش ساله، مادر چهل و هشت ساله و پسر سی و هشت ساله درحالی کشف شده که آثار ضربات سلاح سرد بر بدن هایشان مشخص بود. بررسی های اولیه نشان داد که این جنایت در سکوت رخ داده و هیچ گونه صدای مشکوکی از خانه به گوش نرسیده است. اجساد قربانیان، غرق در خون و با جراحات متعدد روی زمین افتاده بود. بررسی ها نشان داد که ضربات چاقو به قدری شدید بوده که نشان از خشم و خسونت بی حد و حصر قاتل داشته است.

بر اساس گزارش کارشناسان پزشکی قانونی، قربانیان پس از تحمل درد و رنج فراوان جان خود را از دست داده اند. محل دقیق قرارگیری اجساد و وضعیت آن ها، حاکی از آن بود که قاتل هیچ گونه رحمی به قربانیان خود نداشته است. با رصد اطلاعاتی مأموران آگاهی، داماد این خانواده به عنوان مظنون اصلی این پرونده شناسایی شد و پس از تحقیقات تکمیلی مشخص شد که این داماد بی رحم پس از ارتکاب جنایت، با خون سردی محل راترک کرده و در مخفیگاهی در منطقه پیربازار پنهان شده است. پلیس بلافاصله این فرد را دستگیر کرد.

با انتقال متهم به مقر انتظامی و آغاز بازجویی های فنی، این فرد به قتل اعضای خانواده همسرش لب به اعتراف گشود و انگیزه خود را اختلافات خانوادگی بیان کرد. جزئیات دقیق پرونده در دست بررسی است. متهم پس از تشکیل پرونده، روانه دادسرا شد.

جوانی که در نزاع خیابانی با چاقو دیگری را کشته بود، صحنه جنایت را بازسازی کرد

جشن تولدی که به خون نشست



● چاقو را از کی داری؟ چاقو را یک ونیم ماه پیش از یک معتاد که آمده بود مغازه پدرم، خریدم. قهوه ای بود. تیغه اش اندازه انگشتم (اشاره) بود و ضامن دار بود.

● چاقو را چرا حمل می کردی؟ همان شب گفتم برای اینکه مشکلی پیش نیاید، برداشتم. دشمن دار بودیم. یک روز سر عید پانزده نفر ریختند سرم و من را که تنها بودم، زدند.

● شما با احسان چه مشکلی داشتید که با هم درگیر شدید؟

هیچ مشکلی نداشتیم. ما از بچگی با هم بزرگ شده ایم و بیست و چهار ساعته با هم بودیم. همین که فحش می داد و با پایم را زد به زمین، عصبانی شدم.

● در جشن تولد چه اتفاقی افتاد؟

اتفاق خاصی نیفتاد. تنها بحثی که کردم، با وحید بود. آن هم الکی و به خاطر دایی اش (حسین) بود. بحث این بود که می گفت دایی اش آدم خوبی است و من گفتم بچه خاله، دایی ات آن طور که تو می گویی، نیست. به خاطر همین بحث کردیم. وقتی هم برگشته بودیم، من در مغازه نشستم داخل ماشینشان که مرا بردند توی کوچه.

● چه کسانی با احسان درگیر بودند و کدامتان چاقو داشتید؟ فقط من درگیر بودم و مابقی جدامی کردند. فقط من و احسان چاقو داشتیم. در ادامه پس از اینکه متهم صحنه چاقو خوردن را بازسازی کرد و نقاط اصابت چاقو را نشان داد، باسازی صحنه جنایت که به علت یک لحظه عصبانیت رخ داده بود، با دستور مقام قضایی به پایان رسید.

● متهم به قتل در پایان، پرسش های تخصصی مقام قضایی را نیز پاسخ داد.

● چاقو را کجا پنهان کرده بودی؟

چاقو افتاده بود داخل پاچه ام. از آنجا بیرون آوردم.

● چاقو از کی همراهت بود؟

چاقو را بعد از ظهر برداشتم.

● متوجه ضربات شدی؟ نه، من خودم هم زخمی شده بودم.

آمدن من بدترین کار بود

گل محمد، پدر متهم، به عنوان شاهد درباره اتفاق های آن شب گفت: من با انبرک مغازه آمدم. احسان بدویدو آمد. جلوتر از این ما چرا به سعید گفته بودم که بابا با احسان بیایید خانه شام بخورید. کارد دست احسان بود، رفتم جلو انبر را روی هوا گرفتم و گفتم احسان، احسان. کجا می روی عمو؟ اما وحید من را زد زمین.

● چرا زدی توی سر احسان؟ من اصلا ندردم توی سرش. فقط محکم جلوش را گرفتم و به قصد زدن نبود.

● کی شما را هل داد؟

وحید هل داد و خوردم زمین. بعد بلند شدم و آمدم.

● صحنه زمین خوردن را دیدی؟ نه، ندیدم. وقتی افتادم، صورت سمت دیوار بود.

● چه کسانی درگیر شده بودند؟ مرتضی، سعید او (احسان). شاید آمدن من بدترین کار بود.

چاقو را از یک معتاد خریدم

متهم به قتل در پایان، پرسش های تخصصی مقام قضایی را نیز پاسخ داد.

● چاقو را کجا پنهان کرده بودی؟

چاقو افتاده بود داخل پاچه ام. از آنجا بیرون آوردم.

● چاقو از کی همراهت بود؟

چاقو را بعد از ظهر برداشتم.

دنیالم دوید و با هم خوردیم زمین. احسان با کارد می زد که من هم کارد را دار آوردم و به سمت راست بدنش چهار ضربه زدم.

● چپ دست هستی؟

بله، چاقو دست چپم بود.

● چند ضربه زدی؟

چهار تا ضربه زدم به سمت راست بدنش. بعد مرتضی آمد ما را بلند کرد و برد آن طرف. به پایم کارد خورده بود. وسط کوچه دستبند از از جوی آب وسط کوچه بردار. احسان هم اینجا افتاده بود و بلند شد و آمد کنار دیوار افتاد و مرتضی بالای سرش بود.

من سعید را از روی مقتول بلند کردم

«مرتضی ز»، متولد ۱۳۷۲، یکی دیگر از شاهدان این جنایت، درباره حوادث آن شب بیان کرد: من درون مغازه عمومیم بودم که دیدم سرو صدا آمد. نگاه کردم دیدم سعید، احسان و وحید اینجا هستند. وحید داشت آن ها را جدامی کرد که خودم را رساندم و سعید را بردم کنار. احسان دوباره به سمت ما آمد. بابای سعید اینجا زمین خورد (اشاره به محل افتادن).

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● مگر شما خودتان او را از جشن تولد نیاوردید؟

با هم آمدم، ولی مقابل بوستان پیاده شد و رفت.

● صاحب ماشین که بود؟

ماشین احسان بود.

● بعد چه شد؟

قرار بود احسان من را بگذارد خانه. جلو خانه مان با احسان درون ماشین نشستیم. با دیدم که در عقب باز شد و سعید نشست. من قبلش به احسان گفته بودم صبر کن ببینم مادرم شام چه درست کرده است که بیاورم بخوریم. آمدم پیاده شوم که سعید نشست داخل ماشین و به من گفت تو پسر خاله ام هستی و با تو صحنه ای ندارم. اما شروع کرد به فحاشی کردن به احسان. احسان البته چیزی نمی گفت با چاقو بازی می کردند. ولی همدیگر که سعید پیاده شود و برود. وقتی سعید پیاده شد، رفت سمت احسان و با هم گلاویز شدند. اینجا بود که احسان چاقو کشید و سعید هم چاقویش را کشید.

● چپ دست هستی؟

بله، چاقو دست چپم بود.

● چند ضربه زدی؟

چهار تا ضربه زدم به سمت راست بدنش. بعد مرتضی آمد ما را بلند کرد و برد آن طرف. به پایم کارد خورده بود. وسط کوچه دستبند از از جوی آب وسط کوچه بردار. احسان هم اینجا افتاده بود و بلند شد و آمد کنار دیوار افتاد و مرتضی بالای سرش بود.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و ندیدم. چرخیدم و دیدم زمین خورده است. برگشتم که بابای سعید را ببینم. سعید از دستم دررفت. اینجا به هم خوردند و احسان افتاد زمین سعید هم روی او افتاده بود. سعید را بلند کردم و از صحنه دورش کردم.

● پدر سعید چطور افتاد؟

من پشتم بود و